

کشف الظنون و شمس‌الهی پریون باب‌های آن

نظری به زندگینامه نویسنده کتاب کشف الظنون

دکتر زین‌الدین کیانی نژاد

احوال با اردوی دولتی بعضی مسافرتها کرده و زیارت بیت‌الله الحرام مشرف شد تا در سال ۱۰۴۷ از تمام خدمات رسمیه منصرف و تمامی اوقات خود را در تحصیل علوم متداوله از تفسیر و منطق و معانی بیان و فقه و اصول و هیئت و طب و کلام و حکمت مصرف و از اکابر وقت تکمیل مراتب علمیه نمود و با اجازه روایتی کتب حدیث مشایخ نائل آمد و بتدریس علوم مذکوره مشغول و همت خود را در تألیف و تصنیف برگماشته و بمصنفات طریقه موفق گردید .

از تألیفات مهم وی کتاب «کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون» می‌باشد که بنوشته بعضی نام چهارده هزار و پانصد کتاب را غالباً با اسامی و وفيات مؤلفین آنها ضبط و با ترتیب حروف در قید تحریر آورده و از نفایس کتب قرون اخیر است و چندین بار در مصر و استانبول و غیره چاپ و نوعاً مؤلفات عامه را در قید تحریر آورده و گاهی بذکر بعضی از مؤلفات شیعه نیز پرداخته و در این قسمت اشتباهاتی هم دارد و ذیل‌های بسیاری بر این کتاب نوشته‌اند ، وفات کاتب چلبی در سال ۱۰۶۷ هجری در استانبول واقع گردید^۱.

شرح حال چلبی بطوریکه خود در مقدمه کتاب «سلم الوصول الی طبقات الفحول» خویش نوشته است تقریباً همان است که مؤلف ریحانة الادب آورده و شاید ریحانة الادب از آن اخذ کرده باشد .

نخستین کتابی که در آن از کتابهای ملل و مؤلفان و مصنفان آنها و همچنین از انساب و تاریخ زندگی و وفات آنان بحث شده فهرست این ندیم است (متوفی ۳۷۷ هـ ق) و مؤلف کشف الظنون از آن کتاب و همچنین از کتاب : احصاء العلوم فارابی استفاده کرده است .

کتاب «کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون» از کتابهای نفیس و یکی از مأخذ مهم محسوب می‌شود که غالباً مورد استناد دانشوران قرار می‌گیرد . مؤلف این کتاب : مصطفی بن عبدالله از مشاهیر دانشمندان عثمانی بوده که در میان دانشمندان و ادیبان به : «کاتب چلبی» و «خلیفه» و «حاجی خلیفه» مشهور است و در سخنان برخی از بزرگان به «فاضل قسطنطنی» موصوف می‌باشد ، وی جامع معقول و منقول ، مورخی خبیر و محقق و ادیبی بصیر بوده است .

مؤلف «ریحانة الادب» شرح حال اجمالی وی را چنین آورده است : « شرح اجمالی وی آنکه در ذیقعه سال هزار و هفدهم هجرت متولد شد ، در پنج و شش سالگی قرآن مجید و مقدمه جزیه را که در تجوید است اخذ کرد ، پس تشریف و عوامل و اصول خط را فرا گرفت قواعد حساب و ارقام و سیاق را تکمیل نمود تا بمصاحبت پدر به بغداد رفت و در آنجا نه ماه در محاصره بود و قحط و غلا و غلبه اعداء و حرب و قتال و شداید بسیاری را در اسوه احوال دید و با کمال یأس مراجعت کرد ، در این اثنا در ذیقعه سال ۱۰۳۵ هجرت پدرش در موصل وفات یافت و خودش با بعضی از اقربا باستانبول برگشت .

روزی در جامع سلطان محمدخان فاتح مجلس درس قاضی‌زاده شیخ محمد بن مصطفی بالیکری را دیده و معذوب بیانات شیوای وی شد و تحصیلات علمیه را تعمیم داد ، در ظرف یک سال مقدمات لازمه را تجدید نظر نمود ، در سال ۱۰۳۹ هجرت حاضر درس قاضی‌زاده مذکور گردید و بعد از مراجعت از سفر بغداد و همدان ، تفسیر بیضاوی و شرح مواقف سید شریف و احیاء العلوم غزالی و کتاب طریقت محمدیه را که در فقه حنفی می‌باشد در حوزه درس قاضی‌زاده تکمیل نمود ، در خلال این

کتاب «کشف الظنون عن اسامی الکتب والفنون» زبان عربی تدوین گردیده و چنانکه از نام آن پیداست از علوم و فنون مختلف و گوناگون که تا زمان مؤلف رواج داشته و شایع بوده بحث شده است، روش مؤلف در تدوین کتاب بطوریکه در آغاز کتاب بیان داشته این است که بر اساس حروف «الفبا» علوم و فنون را مورد توجه قرار داده و بطور اختصار آنها را تعریف کرده و باز بر همان اساس کتابهایی که در آن علم یا فن نوشته شده و حروف اول آن با حرف اول آن علم یا فن یکی است با اجمالی از مطلب آن بیان نموده و مؤلف یا مصنف آن را با شرحی اجمالی از زندگی وی معرفی کرده و بیش از ۱۵ هزار کتاب را نام برده است.

مؤلف دانشمند کشف الظنون، پیش از بیان مطالب و مسائل اصلی که بدان اشاره شد، مقدمه‌ای عالمانه در احوال و اطراف علوم نگاشته و در طی پنج باب بطور کلی درباره موضوعات مختلف مربوط به علوم بحث کرده که خلاصه و اجمال آن بشرح زیر آورده می‌شود:

باب اول - در تعریف علم و تقسیم آن :

فصل اول - در ماهیت علم - در این فصل اختلافی که میان دانشمندان درباره ماهیت علم وجود داشته مورد بحث قرار داده که آیا ماهیت علم مطلق ضروری است یا نظری، تعریف آن آسان و میسر است، یا مشکل و نامیسر، و میگوید امام محمد رازی طرفدار عقیده اول و امام الحرمین و حجة السلام غزالی طرفدار عقیده دوم بوده‌اند.

فصل دوم - در بیان عقاید و آرائی که درباره متفرعات مربوط به ماهیت علم وجود دارد. در این فصل اختلاف و عقاید گوناگون دانشمندان در مورد اینکه آیا علم بیک چیز مستلزم وجود آن چیز در ذهن می‌باشد چنانکه فلاسفه و بعضی از مکلمان بآن رفته‌اند و با آنکه آن رابطه‌ای است بین عالم و معلوم در ذهن همچنانکه جمهور متکلمین بر آن عقیده‌اند مورد تحقیق و شرح و بیان قرار گرفته است.

فصل سوم - در بیان علم مدون و موضوع و مبادی و مسائل و غایت آن.

در این فصل میگوید: همانگونه که لفظ علم از نظر فلسفی و نظری با آنچه که گفته شد اطلاق میشود بهمانگونه به چیزهایی که مرادف با آن می‌باشد نیز اطلاق میگردد و آن عبارت از علوم مدون هستند مانند نحو و فقه و غیره، سپس در موضوعات علوم و مبادی و مسائل و غایت علوم بحث میکند و آنها را مورد تجزیه و تحلیل قرار میدهد.

فصل چهارم در تقسیم معتبر علوم و اقسام آن بطور اجمال - در این فصل میگوید:

هر چند علم دارای معنی واحد و حقیقت واحد است، لیکن مع الوصف باقسام بسیاری از جهات مختلف تقسیم میشود، از جهت کلی بقدم و محدث و از جهت تعلق آن بتصور و تصدیق و از جهت طرق آن بسه قسم نفسی، وحسی و قیاسی و از جهت دیگر بعلوم و صنایع منقسم میگردد، که درباره این مسائل بحث مشروحو بمیان آورده است.

فصل پنجم - در مراتب و شرف علم و ملحقات آن - در این فصل نخست در شرف و فضیلت علم بحث شده و آیه شریفه: «یرفع الله الذین آمنوا منکم والذین اتوا العلم درجات» و همچنین آیه مبارکه «هل تسوی الذین یعلمون والذین لا یعلمون» مورد استناد قرار گرفته است و از اخبار و احادیث بطور مشروح شاهد آورده است، بعد درباره اینکه علم لذیذترین و سودمندترین چیزها در عالم است بحث نموده است، پس از آن توهماتی که درباره زیان علم پیدا شده رد کرده و آن را مفیدترین چیزها اعلام نموده است و سپس در مرحله چهارم مراتب علوم را از حیث تقدم و تأخر و الاهم فالاهم مورد بحث و تحقیق قرار داده است.

باب دوم - در منشاء علم‌ها و کتاب‌ها

فصل اول - در سبب علم - در این فصل نخست در اینکه علم طبیعی بشر میباشد و انسان نیازمند بآن است و اینکه امتیاز انسان بر دیگر جانوران تنها بعلم می‌باشد مورد بحث قرار گرفته و بعد در اینکه علم و کتابت از لوازم تمدن و مدنیت است بحث شده و پس از آن مسئله ظهور و پیدایش علم و کتابت مورد توجه واقع شده و گفته شده است که حضرت آدم بتمام لغات آگاه بوده و آیه شریفه: «وعلم آدم الاسماء کلها» را شاهد آورده است.

فصل دوم - در منشاء ترول کتب و اختلاف مردم و انقسام آنها.

در این فصل نیز نخست در حکمت ترول کتب آسمانی بحث بمیان کشیده شد و گفته شده است که بشر ذاتاً اجتماعی است و باید در اجتماع زندگی کند و لازمه زندگی اجتماعی تصادم افراد و تضاد منافع میان آنها است و برای نظم و انتظام جامعه قانون و حکم لازم است از این جهت انبیا مبعوث شدند و کتاب آوردند و احکام و مقرراتی وضع کردند تا بشر با سودگی در تحت لوای نظم و دین زندگی کند، پس از آن آدمیان بر حسب مذاهب و دیانات باقسام متعدد تقسیم شده‌اند بعضی معتقد بقول و برخی معتقد بمحسوس، بعضی شکاک و برخی دیگر مثبت و امثال اینها که بطور جداگانه و تفصیل بیان شده است و بعد مردم را باعتبار علم و صنعت منقسم باقسامی کرده و علم و صنعت را در میان ملل و امم قدیم مانند هند، ایران، کلد، یونان، روم، مصر، و غیره مورد بررسی قرار داده است.

فصل سوم - دراهل اسلام و علوم آنان - در این فصل
 نخست اوضاع صدر اسلام و قبل از آن عصر جاهلیت را مورد مطالعه قرار داده و به بعثت رسول اکرم و همچنین پیشرفت دین اسلام و به فتوحات اسلامی اشاره شده و بعد راجع باینکه در اوایل کار اسلام صحابه و تابعین که بعهد رسول اکرم بوده و آن را درک کرده بودند احتیاج بتدوین کتاب و نوشته نداشته‌اند، لیکن بتدریج که اسلام پیشرفت کرده و کشورهای را تحت استیلا درآورد و اختلاف عقاید و آراء پیدا شد ناچار بکتابت و نوشته احتیاج حاصل گردید، بحث گردیده و بگفته پیغمبر که فرموده: «العلم صید والکتابته قید» در این باره استشهاد شده است.

باب سوم - در تألیف کنندگان و تألیف شده‌ها

در این باب نخست تحت عنوان «ترشیح اول» درباره انواع و اقسام کتب و نوشته‌ها میگوید: کتب و نوشته‌های علمی بر حسب غرض و مقصود مصنفان و مؤلفان، مختلف و گوناگون و بسیار است؛ لیکن از حیث معنی منحصر بدو قسم می‌باشد: قسم اول یا اخبار مرسله است مانند کتب تاریخ، یا وصف و امثال است که مفید بنظم است، مانند دیوان‌های شعر، قسم دوم قواعد و ضوابط علوم است که از لحاظ مقدار و کمیت منحصر به سه نوع است: نوع اول کتب و نوشته‌های مختصری است که رؤس مسائل و مطالب در آن ذکر شده و مخصوص خاصان می‌باشد نوع دوم کتب و نوشته‌های مفصل است که بعکس نوع اول است، نوع سوم نوشته‌ها و کتب متوسط می‌باشد که نفع آن عام‌تر و سودمندتر می‌باشد.

در این قسمت سپس به چگونگی تألیف و تصنیف از قبیل حسن ترتیب در تدوین و موجز بودن الفاظ بطور قل و دل و همچنین عادت نویسندگان در بیان رؤس ثمانیه^۲ در مقدمه کتابهای خود اشاره شده است.

در ترشیح دوم - موضوع «شرح» کتب و نوشته‌ها مورد تحقیق قرار گرفته و اینکه چرا بعضی از نوشته‌ها و کتابها احتیاج به شرح و تفسیر و بیان دارد، شرح داده شده است در این باره میگوید: سه چیز موجب میشود که کتاب یا نوشته‌ای را شرح نمایند یکی آنکه گاهی مهارت و حداقت مؤلف و نویسنده وجودت ذهن او و حسن عبارات کتاب طوری است که همه کس آنرا میفهمد و احتیاج به شرح ندارد ولی گاهی بعکس عبارات نوشته طوری معقد و پیچیده است که همه کس نمی‌تواند آنرا درک کند که در این صورت کتاب احتیاج بشرح و بیان پیدا میکند، دیگر حذف بعضی از مقدمات است که در درک مطلب مفید میباشد و با حذف آنها فهم موضوع مشکل میگردد که در این صورت نیز شرح لازم میشود. سه دیگر آنکه بعضی از الفاظ نوشته یا کتاب دارای معانی مختلف میباشد که قابل تأویل هستند یا دارای

معانی حقیقی و مجازی هستند که درک معنی صحیح آن احتیاج بشرح و تفسیر پیدا میکند.

در «ترشیح سوم» اقسام مصنفان و احوال آنان مورد بررسی قرار گرفته است، در اینجا میگوید نویسندگان و مؤلفانی که کتب و نوشته‌های آنان معتبر شناخته میشود دو دسته‌اند: دسته اول کسانی هستند که در علم دارای ملکه تام، تجربه کافی حدسی صائب و فهم روشن میباشند مانند: نصیر، عضد، سید، سعد، جلال و مانند آنان که نوشته‌های آنان از حیث انسجام الفاظ و دقایق معانی بی‌مانند و هیچکس از نوشته‌های ایشان بی‌نیاز نمیشد، دسته دوم کسانی هستند که دارای رأی روشن و عبارات سلیس میباشند، کتابهایی را مطالعه میکنند و نکته‌ها و مطالب جالب آنرا استخراج مینمایند و برشته تحریر میکنند، نوشته اینگونه اشخاص برای متوسطان و نوآموزان سودمند است که بعضی از آنها صرفاً برای استفاده مینویسند نه افاده.

باب چهارم - در فواید منشوره از بابهای علم - (منافع و موانع علم)

در این باب نخست در «منظر اول» علوم اسلامی را مورد بررسی قرار داده و میگوید علوم متداول در جهان دو قسم است: قسمی طبیعی انسان است که با فکر و اندیشه خود بآن راه می‌یابد مانند علوم فلسفی و قسم دیگر نقلی است که آدمی آنرا از اوضاع آن می‌آموزد که کلیه علوم نقلی از این دسته‌اند و مستند آنها وضع شرعی است که از شارع رسیده و عقل و اندیشه را در آن مجال بحث و تفکر جز در فروع مسائل نیست و از این دسته محسوب میشوند علوم زبان عربی که قرآن هم بآن زبان نازل گردیده است علوم نقلی دارای انواع بسیار میباشد زیرا مکلف در دین اسلام ملزم است که احکام خداوند را بیاموزد و آنچه از کتاب و سنت و اجماع رسیده فراگیرد و همچنین نسبت باختلاف روایات قراء و علم قرائت علم آموزی و دانش‌اندوزی نماید و بعد راجع باخبار و احادیث و تمیز صحت و سقم و صحیح و ناصحیح آن و سلسله اسناد و ناقلان اخبار بحث و فحص کند.

در «منظر دوم» این مطلب را مورد امعان نظر و توجه قرار داده است که بیشتر عاملان لواء علم و دانش در اسلام ایرانیان بوده‌اند، وی میگوید: عجیب و غریب است غریبی که واقع شده - که اکثر دانشمندان ملت اسلام در علوم شرعی و عقلی جز در موارد نادر و استثنائی ایرانی بوده‌اند و علت این امر آنست که ملت اسلام در آغاز امر فاقد علم و صنعت بوده است و پس از ظهور اسلام بتدریج با معارف اسلامی آشنا شده و با کتاب و سنت و احکام خو گرفته و از آنها استفاده کرده است و قبل از آن در امر تعلیم و تدوین بی‌خبر بوده و پس از اینکه اسلام پیشرفت کرده و با کشورهای دیگر ارتباط پیدا نمود امر تدوین کتب علمی

و فلسفی مورد توجه قرار گرفت و دانشمندان ایرانی در این امر پیشقدم شده‌اند و این مهم را به‌عهده گرفته‌اند.

منظر سوم - در این منظر می‌گوید که علم از جمله صنایع محسوب می‌شود جز اینکه اشرف از صنایع است و بطور کلی حذاقت و تفنن در علم و استیلاء بر آن عبارت است از حصول ملکه در احاطه بعلم از لحاظ معرفت‌بماده و قواعد و مسائل علم و استنباط فروع از اصول آن است و این ملکه غیر از فهم و تمام ملکات جسمانی هستند و بعد توضیحاتی در این باره داده است.

منظر چهارم - در منظر چهارم این نکته مورد بررسی قرار گرفته که برای طلب علم سفر سودمند است زیرا آدمی اصولاً معارف و اخلاق و آداب خود را از مذاهب گرفته است، گاهی بطور القاء و علم و تعلم و گاهی بصورت محاکات و تلقین از راه مباشرت و معاشرت جز اینکه حصول ملکه علم از طریق مباشرت و تلقین از حیث استحکام و رسوخ، قوی‌تر و شدیدتر می‌باشد بنابراین در طلب علم تفحص و تجسس و مسافرت و ملاقات بزرگان و دانشوران سودمند می‌باشد.

منظر پنجم - در این منظر موانع و سدهائی که در راه علم وجود دارد مورد تحقیق قرار گرفته است در این باره می‌گوید باید دانست که در هر کار خیری مانعی وجود دارد و در راه علم مانع‌هائی. از جمله آنها است: اعتماد بآینده، اطمینان به هوش و زکاوت، از علمی بعلم دیگر پرداختن پیش از آنکه اولی بقدر کافی تحصیل شده باشد از کتابی بکتاب دیگر مراجعه کردن قبل از آنکه اولی با تمام رسیده باشد، در پی مال و جاه بودن و به لذایذ مادی و جوانی سرگرم شدن، ضیق وقت و عدم وسیله معاش و مانند اینها، سپس درباره هر یک از موانع مذکور توضیحاتی داده شده است.

منظر ششم - در این منظر می‌گوید که حفظ کردن مطالب غیر از ملکه علمی است و هر کس که اکثر توجه و عنایت و هم خود را مصروف بحفظ و حافظه کند و به تحصیل ملکه علم کمتر پردازد، نمی‌تواند آنگونه که لازم است بملکه تصرف در علم دست یابد و به همین جهت است که می‌بینیم کسانی که بحفظ کردن مطالب اهتمام دارند ملکه تصرف و تعمق آنها در مسائل کمتر می‌باشد.

منظر هفتم - در منظر هفتم شرایط تحصیل علم و اسباب و وسائل آن را مورد بررسی قرار داده و می‌گوید این شرایط و اسباب بسیار هستند و خلاصه جامع آن همان نظریه سقراط است که گفته است «شایسته است که محصل و دانشجو، جوان باشد، فارغ‌البال باشد، سالم باشد، بدنی توجه نداشته باشد دوستدار دانش باشد آنچنانکه در برابر دانش بچیز دیگر اعتنا نکند، راستگو درست‌کردار، نیک‌رفتار، متدین بانصاف باشد، مال را فقط برای اعاشه بمنظور تحصیل علم بخواهد» و از شرایط کسب علم، تزکیه نفس، رعایت موازین اخلاق، اخلاص،

پرهیز از تنبلی و بطالت، عزم و ثبات اختیار و انتخاب استاد دانشور که متقی و مسن باشد و طالب علم باید این امور را رعایت نماید و نیز از شروط کسب دانش، تحقیق و مطالعه دقیق مسائل و مطالب علم و مذاکره و مباحثه با هم در میان وجد و جهد و مراعات الاقدم فالاولی و الاهم فالاهم در کسب علوم مختلف است.

منظر هشتم - در منظر هشتم از شروط افزوده و افاده و تدریس و نشر علوم بحث شده است، می‌گوید افاده و تعلیم افضل از عبادت و بندگی است بنابراین دانشمند در مقام تعلیم و تدریس باید قصد قربت داشته باشد و اندیشه ریاست و جاه و مال در سر نپوراند و در این کار اجر و مزد طلب ننماید و به پیغمبر اکرم و صاحب شریعت در این راه پیروی کند، و استاد باید توجه باستعداد و شایستگی شاگرد و فهم و درک وی به تعلیم علم مناسب بپردازد و سعی و کوشش کند کردار او با گفتارش مغایرت نداشته باشد چه در اینصورت بگفته‌هایش توجه نخواهد شد، بنابراین وی باید در نیک‌کرداری بیش از حسن‌گفتارش عنایت داشته باشد.

منظر نهم - در منظر نهم آنچه را که باید دانشمند واجد آن باشد مورد بحث واقع شده است از قول فقیه بزرگ «ابواللیث» می‌گوید که عالم باید دارای صفات زیر باشد: ترس، و خشیت، نصیحت، شفقت، تحمل، صبر، حلم، تواضع، عنت از تعدی باموال مردم، ادامه و استدامه مطالعه در کتب، دشمنی و خصومت نکردن با مردم، پرهیز از افراط در خوراک و پوشاک و اهتر از از تجمل در اثاث و خانه و رعایت زهد و تقوی.

منظر دهم - در این منظر در تعلم و آموزش و آموزندگی بحث شده و می‌گوید: در این تردید نیست که تکمیل نفوس بشری در پرورش قوای عقلی و عملی او می‌باشد و این در صورتی است که وی علم بحقایق اشیاء پیدا کند و برای این منظور باید بفضائل روی آورد و از رذایل بگریزد تا بسعادت ابدی نائل گردد برای اینکار ناچار بکسب علم و دانش و ادب است و بدین جهت است

۱ - ریحانه‌الادب جلد پنجم صفحات: ۱۰ - ۱۱ و ۱۲ چاپ

تبریز

۲ - دانشمندان قدیم در ابتدای تألیفات خود هشت چیز را که (رؤس‌نمانیه) نامیده میشد ذکر میکردند تا خواننده و شاگرد با آگاهی بیشتری بخواندن و فراگرفتن آن علم بپردازد و بطور فهرست رؤس ثمانیه عبارتند از:

۱ - غرض و غایت علم

۲ - تعریف علم

۳ - موضوع علم

۴ - منفعت علم

۵ - عنوان یا فهرست ابواب کتاب

۶ - نام مؤلف

۷ - بیان مرتبه علم

۸ - انحاء تعلیمی - تقسیم، تحلیل و تحدید.

که شارع بزرگ فرموده است: *اطلب العلم من المهد الى اللحد* واطلبوا العلم ولو بالصين. سپس در این باب توضیحات مشروحی داده است.

باب پنجم - ملحقات مقدمه ، در چند مطلب

مطلب ، در لزوم زبان عربی - مؤلف دانشمند در این مطلب اشاره باین نکته میکند که مباحث علوم پیش از آنکه در خارج منعکس شوند در ذهن و خیال وجود دارند و برای اینکه از ذهن و خیال بیرون آیند و در خارج قابل استفاده و افاده گردند احتیاج بالفاظ و کلمات و لغات دارند ، پس از بیان این مقدمه میگوید ملت اسلام پس از پیشرفت و ارتباط با ملل دیگر ، در نقل علوم آنان بزبان عربی اشتیاق فراوان پیدا کردند و همه آن را بزبان عربی ترجمه نمودند بطوریکه همه علوم بزبان ولغت عربی برگردانده شدند .

مطلب در علوم مربوط بزبان عربی - در این مطلب علوم مربوط بزبان عربی مورد بحث قرار گرفته و چهار علم : لغت ، نحو ، بیان و ادب از کان اربعه آن شمرده شده است و تحمیل و فهم و معرفت آنها برای پیر و ان شریعت لازم دانسته شده است چرا که مآخذ و منابع احکام دین و شریعت بزبان عربی است و ناگزیر باید قواعد و ضوابط و مبانی این زبان را فرا گرفت .

مطلب در ادبیات - در این مطلب راجع باینکه ادبیات عرب از نظم و نثر بمنظور اطلاع از اصطلاحات و معانی رقیق اهل زبان و قواعد و ضوابط اسلوب ادبی عربی و مسائل مربوط بلغت و تاریخ و غیره لازم است مورد بحث واقع شده است .

دومطلب دیگر - مؤلف در دومطلب دیگر یکی راجع به کسانی که اهل زبان نباشند و آنرا با تحمیل فراگیرند هرگز نمیتوانند مانند اهل زبان بدقیق و لطائف آن زبان کاملاً آگاهی حاصل کنند اشاره کرده و دیگری درباره تعیین اینکه کدام علم و دانش است که تحمیل آن فرض و واجب شمرده شده بحث کرده است ، در این قسمت میگوید : درباره گفته رسول اکرم که فرموده طلب علم بر هر مرد و زن مسلمان واجب است ، در میان علما و دانشمندان اختلاف شدیدی راجع بمصدق آن علم پیدا شده است ، مفسران و محدثان آن را علم کتاب و سنت دانسته اند ، فقها آنرا تعبیر بعلم فقه و حلال و حرام کرده اند ، متکلمان معتقدند منظور علمی است که بوسیله آن توحید و خداشناسی درک میشود که اساس شریعت و دین است می باشد ، صوفیه میگویند مقصود علم قلب و معرفت نفس است زیرا نیت که شرط صحت اعمال می باشد بی آن مصداق ندارد ، اهل حق معتقدند که آن علم مکاشفه است و قول صحیح و مقرون به تحقیق این است که بگوئیم منظور از علم در حدیث نبوی آن علمی است که مشتمل بر گفته خود پیغمبر باشد که فرموده است اسلام بر پنج

چیز بنا گردیده^۴ و این عقیده ای است که شیخ ابوطالب مکی آنرا اختیار کرده است .

خاتمه - مؤلف در خاتمه مقدمه غرض از تألیف کتاب را چنین بیان می کند که : چون انسان احتیاج به تکمیل و رقاء روح خویش دارد و این امر بدست نمی آید مگر اینکه بحقایق اشیاء معرفت حاصل کند و بکتاب خدا و سنت رسول آگاهی یابد لهذا لازم است بکسب علوم و تحمیل دانش پردازد ، نخست انواع علوم را بشناسد ، بمقاصد و مبانی آنها و قوف حاصل کند . سپس به کتابهایی که در باب آن علوم نوشته شده آگاه گردد و مرتبه و درجه هر کدام را بشناسد تا بتواند آنها را بایکدیگر مقایسه نماید و از میان آنها بهترین و مورد اعتمادترین و سودمندترین را برگزیند شرح حال و وضع احوال نویسندگان و مؤلفان آنها را مورد رسیدگی و پژوهش قرار دهد و مراتب فضل و دانش آنان و قوف پیدا کند و بالاخره بهترین کتاب را در بهترین علم که بوسیله بهترین مؤلف تألیف شده باشد انتخاب نماید و مورد استفاده قرار دهد .

تکمیل این خاتمه را که مؤلف در پایان مقدمه آورده است باید در مندرجات آغاز کتاب که قبل از مقدمه ذکر کرده جستجو کرد ، در آنجا بطور خلاصه میگوید «چون کتابهایی که در علوم مختلف نوشته شده بسیار و فراوان است و عمر آدمی متأسفانه کوتاه آنچنانکه معرفت بتمامی علوم و کتب بسیار مشکل بلکه محال میباشد ، من بر آن شدم که تمام کتبی که در باب علوم بوسیله علمای مشهور نوشته شده فهرست وار و بر اساس حروف تهجی گردآورم و راه وصول بمقصود یعنی تحصیل علم و معرفت را برای دانش پژوهان هموار سازم و این کتاب را بدین منظور تألیف کردم» .

علوم و فنونی که در کتاب کشف الظنون از آنها ذکر گردیده بشرح زیر است :

- ۱ - علم حاجی و اغلوطات - از فروع لغت و صرف و نحو
- ۲ - « اختیارات - از فروع علم نجوم
- ۳ - « اخلاق
- ۴ - « مناظره یا آداب بحث
- ۵ - « ادب
- ۶ - « ادعیه و اوراد
- ۷ - « ادوار و اکوار (دور و کور)
- ۸ - « اربعینات - در حدیث و غیره
- ۹ - « ارتماطیقی - علم خواص اعداد
- ۱۰ - « اسباب نزول - از فروع علم تفسیر
- ۱۱ - « اسباب نزول احادیث
- ۱۲ - « استعانه بخواص ادویه
- ۱۳ - « استنباط معادن و آبها
- ۱۴ - « نزول ارواح و احضار آنها در قالب اشباح

۱۵ - علم اسماء رجال	۵۳ - علم بیان
۱۶ - « اشتقاق	۵۴ - « بیزره - شناسائی جوارح و اعضا از حیث صحت و سقم
۱۷ - « اصطراب	۵۵ - « بیطره - طب حیوانات
۱۸ - « اصول فقه	۵۶ - « تاریخ
۱۹ - « اطعمه - از فروع علم پزشکی	۵۷ - « تاریخ خلفا
۲۰ - « اعجاز قرآن	۵۸ - « تأویل
۲۱ - « اعراب قرآن	۵۹ - « تجوید
۲۲ - « افضل القرآن و فاصله - از فروع علم تفسیر	۶۰ - « تحسین حروف - نوعی حسن خط
۲۳ - « اقسام قرآن - قسم های قرآن	۶۱ - « تدبیر شهر
۲۴ - « اکتاف - از خطوط و اشکالی در شانه گوسفند در مقابل آفتاب پیدا میشود بحث میکند و از آن در اوضاع کلی عالم استفاده می شود .	۶۲ - « تدبیر منزل
۲۵ - « اکر - از کره بحث می کند	۶۳ - « ترتیب حروف تهجی
۲۶ - « آلات جنگ	۶۴ - « ترتیب قشون
۲۷ - « رصد	۶۵ - « ترسل
۲۸ - « آلات ساعت	۶۶ - « ترکیب اشکال
۲۹ - « سایه ها	۶۷ - « ترکیب مداد
۳۰ - « موسیقی	۶۸ - « تسطیح کره
۳۱ - « روحانی - بحث در ضرورت نبودن خلاء	۶۹ - « تشبیه و استعاره های قرآن
۳۲ - « آلات الغاز - لغزها	۷۰ - « تشریح
۳۳ - « الهی	۷۱ - « تصحیف
۳۴ - « نشانه های نبوت	۷۲ - « تصرف باسم اعظم
۳۵ - « امثال	۷۳ - « تصریف
۳۶ - « املاء خط	۷۴ - « تصریف بحروف و اسماء
۳۷ - « انبساط آبها	۷۵ - « تصوف
۳۸ - « انساب	۷۶ - « تعابی عددی در جنگها - ترتیب نظم و صفوف ارتش در جنگها .
۳۹ - « انشاء	۷۷ - « تعبیر خواب
۴۰ - « اوایل - بحث در اوایل وقایع و از فروع علم تاریخ	۷۸ - « تعدیل - شناسائی ساعات شب و روز
۴۱ - « اوراد و ادعیه مشهوره	۷۹ - « تعلق قلب
۴۲ - « اوزان و مقادیر مستعمل در علم طب	۸۰ - « تفسیر
۴۳ - « ابتداء بیابانها و صحراها (بوسیله ستاره ها و غیره)	۸۱ - « تقسیم علوم
۴۴ - « آیات متشابهه	۸۲ - « تلفیق حدیث
۴۵ - « ایام عرب	۸۳ - « ثقه ها و ضعفاء راویان حدیث
۴۶ - « ایجاز و اطناب	۸۴ - « جبر و مقابله
۴۷ - « باطن	۸۵ - « جدل
۴۸ - « پاه	۸۶ - « جراحی
۴۹ - « بدایع قران	۸۷ - « جراثقال
۵۰ - « بدیع	۸۸ - « جرح و تعدیل
۵۱ - « برد و مسافتها (برد بضم تین جمع برید که عبارت از ۴ فرسخ است).	۸۹ - « جغرافیا

۵۱ - « برد و مسافتها (برد بضم تین جمع برید که عبارت از ۴ فرسخ است).

۵۲ - « بنکامات - شناسائی آلانیکه زمان و ساعات را تعیین میکنند .

۳ - بنی الاسلام علی خمس : شهادة ان لا اله الا الله وان محمداً رسول الله واقام الصلاة و اتیاء الزکات و حج البيت و صوم رمضان.

- ۹۰ - علم جفر و جامعه
- ۹۱ - « جواهر
- ۹۲ - « جهاد
- ۹۳ - « حدیث
- ۹۴ - « حروف و اسماء
- ۹۵ - « حساب
- ۹۶ - « حضری و سفری از آیات - از فروع علم تفسیر
- ۹۷ - « حکایات صلحا
- ۹۸ - « حکمت
- ۹۹ - « حیل‌های ساسانی
- ۱۰۰ - « حیل‌های شرعی
- ۱۰۱ - « حیوان
- ۱۰۲ - « دوخطا (خطائین) از فروع علم حساب
- ۱۰۳ - « خط
- ۱۰۴ - « خفا
- ۱۰۵ - « خلاف
- ۱۰۶ - « خواص
- ۱۰۷ - « درایت‌الحدیث
- ۱۰۸ - « دفع ستارگان
- ۱۰۹ - « دفع مطاعن حدیث
- ۱۱۰ - « دلائل اعجاز
- ۱۱۱ - « دواوین
- ۱۱۲ - « ربع دایره
- ۱۱۳ - « رجال حدیث
- ۱۱۴ - « رسم مصحف
- ۱۱۵ - « رصد
- ۱۱۶ - « رقص
- ۱۱۷ - « رمل
- ۱۱۸ - « رموز حدیث
- ۱۱۹ - « رمی
- ۱۲۰ - « روای حدیث
- ۱۲۱ - « ریاضت
- ۱۲۲ - « ریافت (استنباط آب از زمین بوسیله برخی از علامات)
- ۱۲۳ - « زایرجه - استخراج غیوب
- ۱۲۴ - « زیج
- ۱۲۵ - « سحر
- ۱۲۶ - « شیمی
- ۱۲۷ - « خیالات و شامات
- ۱۲۸ - « شروط و سجالات - چگونگی ثبت اسناد و احکام
- در نزد قاضی
- ۱۲۹ - « شرح حدیث
- ۱۳۰ - « شعبده
- ۱۳۱ - علم شعر
- ۱۳۲ - « شواذ - از فروع علم قرائت
- ۱۳۳ - « صرف
- ۱۳۴ - « صورکواکب
- ۱۳۵ - « صیدله - از فروع علم طب مربوط به شناسایی گیاهان
- ۱۳۶ - « صیفی و شتائی
- ۱۳۷ - « ضروب و امثال
- ۱۳۸ - « ضعفا در روای حدیث
- ۱۳۹ - « طب
- ۱۴۰ - « طبخ اطعمه و اشربه و معجون‌ها
- ۱۴۱ - « طبقات - طبقات ادبا ، اطبا و غیره
- ۱۴۲ - « طبیعی
- ۱۴۳ - « طلسمات
- ۱۴۴ - « طیره
- ۱۴۵ - « عدد
- ۱۴۶ - « عرافت
- ۱۴۷ - « عروض
- ۱۴۸ - « عزایم
- ۱۴۹ - « عقود ابنیه
- ۱۵۰ - « غرائب حدیث و قرآن
- ۱۵۱ - « غنج
- ۱۵۲ - « فال
- ۱۵۳ - « فتاوی
- ۱۵۴ - « فراست
- ۱۵۵ - « فرائض
- ۱۵۶ - « فروع
- ۱۵۷ - « فضائل قرآن
- ۱۵۸ - « فقه
- ۱۵۹ - « فلاحت
- ۱۶۰ - « فلسفه
- ۱۶۱ - « فلقطیره - عبارت از خطوط و اشکالی است که پنداشته‌اند دارای تأثیراتی است .
- ۱۶۲ - « فواصل آیه‌ها
- ۱۶۳ - « قافیه
- ۱۶۴ - « قرائت
- ۱۶۵ - « قرانات
- ۱۶۶ - « قرض شعر - بحث در شعر از لحاظ حسن و قبح آن
- ۱۶۷ - « قرعه
- ۱۶۸ - « قلع آثار
- ۱۹۶ - « قوانین کتابت
- ۱۷۰ - « قوافی
- ۱۷۱ - « سپاه و ارتش

- ۱۷۲- علم قوس و قرح
 ۱۷۳- « کحالت
 ۱۷۴- « کسر و بسط
 ۱۷۵- « کشف
 ۱۷۶- « کشف دك - شناسائی حیل‌های ارباب صنایع و تجارت
 ۱۷۷- « کلام
 ۱۷۸- « کون و فساد
 ۱۷۹- « کهانت
 ۱۸۰- « کیفیت ترول قران
 ۱۸۱- « کیمیا
 ۱۸۲- « لغت
 ۱۸۳- « نغز
 ۱۸۴- « مبادی شعر
 ۱۸۵- « مبهمات قران
 ۱۸۶- « متشابهات قران
 ۱۸۷- « متن حدیث
 ۱۸۸- « متواتر و مشهور از قران
 ۱۸۹- « محاضرات
 ۱۹۰- « محکم و متشابه
 ۱۹۱- « مخارج زبان
 ۱۹۲- « مخارج حروف
 ۱۹۳- « مراجبات
 ۱۹۴- « مراکز انتقال
 ۱۹۵- « مرایای محرقه
 ۱۹۶- « مساحت
 ۱۹۷- « مسائل شهرها
 ۱۹۸- « مشکل قران
 ۱۹۹- « معادن
 ۲۰۰- « معاد
 ۲۰۱- « معما
 ۲۰۲- « معازی و سیر
 ۲۰۳- « مفردات قران
 ۲۰۴- « مقادیر و اوزان
 ۲۰۵- « مقادیر علویات
- ۲۰۶- علم مقالات فرق
 ۲۰۷- « مقلوب
 ۲۰۸- « مکی و مدنی
 ۲۰۹- « ملاححت
 ۲۱۰- « ملاحم
 ۲۱۱- « منازل قمر
 ۲۱۲- « مناسبات آیات و سوره‌ها
 ۲۱۳- « مناظر اشیاء
 ۲۱۴- « منطق
 ۲۱۵- « موسم‌ها
 ۲۱۶- « وقت‌ها
 ۲۱۷- « موسیقی
 ۲۱۸- « موضوعات علوم
 ۲۱۹- « موعظه
 ۲۲۰- « میقات
 ۲۲۱- « ناسخ و منسوخ
 ۲۲۲- « ناسخ قران و منسوخ آن
 ۲۲۳- « نباتات
 ۲۲۴- « نحو
 ۲۲۵- « ترول باران
 ۲۲۶- « نظر
 ۲۲۷- « نفوس
 ۲۲۸- « روز و شب
 ۲۲۹- « نیرنجیات
 ۲۳۰- « وجوه و نظایر- از فروع علم تفسیر
 ۲۳۱- « وصایا
 ۲۳۲- « وضع
 ۲۳۳- « وعظ
 ۲۳۴- « وقایع اهم
 ۲۳۵- « وقوف
 ۲۳۶- « هندسه
 ۲۳۷- « هیئت

از کتاب کشف‌الظنون چاپ‌های گوناگونی شده و از جمله باهتمام «فلوگل» در هفت جلد چاپ و منتشر گردیده است.